

آیات الاحکام دو

جلسه نهم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهر

مصدق شناسی سبیل و گونه شناسی مصداق ها ؛ این جنبه بیشتر جنبه نهاد تشخیص دارد و از آن ابزارها استفاده می کنم و تشخیص سبیل می دهم. نهاد از ابزارهایی استفاده می کند که بگوید سبیل چیست؟ در یک کشوری مثل کشور ما زود یک مساله سیاسی می شود، مثلا اگر دولتی را که من قبولش دارم این طرح داده باشد، می گویم که نه این هیچ نیست از واجبات است برای کشور و اگر دولتی داده باشد من قبولش نداشته باشم، شروع می کنم آسمان و ریسمان را به هم می باقم و می گویم این سبیل است این فلان طرح استعماری است. یا حتی کشورهایی که نزاعهایشان را به این مسائل نمی کشانند، همیشه این مباحث هست که فلان رابطه یا طرح مصداق سبیل است یا نه ؛ سبیل یک گونه های سخت افزاری و گونه های نرم افزاری دارد، یک موقع نادر شاه از ایران حرکت می کند و بخشی از هند را می گیرد. الان هم آثار ی از ایران در آن جاست. اما یک موقع به گونه های نرم و غیر مستقیم به گونه ای که اصلا کسی حس نمی کند . دوسه کشور همسایه ما جدا از لشکر کشی متفکران آن کشورها را در دست دارند در برخی کشورها هر دو را در دست دارند مثل افغانستان سبیل گونه های پیچیده دارد روز به روز هم بیشتر می شود من دوست دارم شما را به گذشته ها ببرم. قرآن کریم در آیات متعدد از ارتباط با کافران و اعتماد به آن ها نهی کرده است حتی اگر از بستگان باشند آیا به نظر شما این غیر از نفی سبیل است؟ وقتی قرآن احساس می کند ضررش بیشتر از مزایای آن ست نهی می کند. آیات 89 و 144 سوره نساء 51 و 57 و مائده 23 توبه 1 ممتحنه و خود ارتباط گونه ای از سبیل است.

این را شما در رفتار پیامبر خیلی شدید می بینید خلیفه دوم می گوید: من نسخه ای از یکی از اهل کتاب برای خود استنساخ کردم، وقتی رسول خدا آن را دید فرمودند : این چیست؟ گفتم نسخه ای است از اهل کتاب برگرفتم تا بردانش خود بیفزایم پیامبر فوراً ناراحت شد؛ و گفتند من همه چیز را برای شما آوردم، ... در یک گزارش دیگری هست ، روزی همین شخص کتاب کوچکی از تورات با خود آورد و خواست که آن را برای پیامبر بخواند رسول خدا ناراحت شد و لحظه به لحظه رنگ رخسار پیامبر تغییر میکرد، تا جایی که ابوبکر ترسید تا مبادا آیه ای مبنی بر عذاب نازل شود ابوبکر تشر زد که نمی بینی صورت رسول خدا به چه رنگی است؟ پیامبر فرمود مگر این خطاب در کتاب خدا شک داری که این ها را می آوری؟ این حجر عسقلانی در لسان المیزان ، شیبانی که ابن اثیر معروف باشد در ... دارمی در سنن دارمی و سیوطی در الدر المنثور، من در آخرهای صحبت مناسبتش را عرض می کنم متأسفانه سیر خوبی در رابطه با کفار نداریم این تحلیل کمتر جایی است .

از آغاز ورود پیامبر به مدینه تا دهه پنجاه از قرن اول هجری تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام در برخورد با اهل کتاب مراحل را گذرانده است. مرحله اول تا سال 12 هجری تقریباً تا سال وفات پیامبر مسلمانها رابطه تعریف شده ای با اهل کتاب داشتند، مرحله دوم از سال 12 که سال خلافت عمر است تا سال 35 که پایان خلافت عثمان است این خط ممنوعیت ارتباط شکست یهود و نصارا و برخی که به ظاهر هم مسلمان شده بودند جزء نزدیکان خلیفه بودند .. کعب الاحبار که در زمان ابوبکر اسلام آورد تمیم الداری مسیحی است نمیدانم مسلمان شد یا نه اجازه پیدا می کند که در روز جمعه به موعظه مسلمانان بپردازد عثمان که دید این مقدار کم است به هفته ای دو بار افزایش داد تا به مردم قصه بگوید و جریان قصاصین هم مربوط به همین جریان است. تاریخ طبری که پر از اسرائیلیات است از این جا می آید. بعد این می آید ذیل آیات تاریخ و کلام و اعتقادات و ... می آید

در توحید و در زندگی پیامبران!! خرافه ای نیست که اهل کتاب داشته باشند و در متون اهل تسنن نیامده باشد از طریق همین قصه ها آمده است. این ها سبیل فرهنگ است. شما خدایی که در کلیسای دنیا نقاشی می کنند با خدایی که اهل تسنن معرفی می کنند فرقی ندارد البته خدای تسنن گوستالو تر است. متاسفانه از طریق قصاصین آمده این جاست که نقش اطلاعات تاریخی کمک می کند به فهم ا دله مرحله سوم؛ دوران حکومت معاویه بن ابوسفیان در این دوره نزدیک شدن اهل کتاب به دربار معاویه قوی میشود و معاویه هم باکی نداشت به هر حال در حکومت دو تن از خلفا زمینه آماده شده بود. دست اهل کتاب به ظاهر یا به واقع مسلمان شده و کاملاً جا برای آن ها باز شد که به جعل حدیث پردازند. معاویه ابوهیره را به امیری مدینه منصوب می کند. کعب الاحبار یهودی را به عنوان قصه گوی شام معرفی میکند. سرچون مسیحی را به عنوان مشاور سیاسی همزمان با حفظ مشاور مالی و فرزند سرچون را در پست حسابداری ارتش قرا رمی دهد. وقتی یزید از شورش مردم کوفه آگاه شد با مشورت سرچون مسیحی عبیدالله را به حکومت کوفه منصوب کرد شاید کسی به مدیریت عبیدالله در آن زمان نبود! گفته اند: عبیدالله تقریباً 28 سالش هست چنان نبض کوفه را در دست گرفت باغ وحش ادیان واره ها بود که توانست مهار کند و این وضعیتی است که بر جهان اسلام حاکم بود و آیه نفی سبیل عمل نشد و حساسیت پیامبر جای خود را به عدم حساسیت داد.

مناسبات آیه نفی سبیل با قواعد همسو یا ناهمسو

مناسبات آیه نفی سبیل با سایر ادله؛ ادله مبین احکام اولی؛ ادله مبین احکام ثانوی یا حتی حکم حکومتی. همسو اگر باشند با هم تفاوتی ندارند. آن جایی که بحث درمی گیرد در ناهمسوست اگر قاعده نفی سبیل با مصالح عامی ناهمسویی کرد، ممکن است که یک ارتباط مستلزم سبیل باشد ولی در عوض به پیشرفت و دانش کشور اضافه کند، ممکن است ما گر چند مستشار نظامی بگیریم به هر حال تکان میدهند... فرض کنید ما یک معاهده را امضا کردیم طبق آن معاهده باید عمل کنیم. ولی ممکن است فلان قرارداد را امضا کنیم اثبات نفی سبیل است. اگر قاعده لن یجعل با اوفوا بالعقود در یک راستا قرا رگیرد چه کار باید انجام داد؟ اصلاً حاکمیت حق ندارد قراردادی امضا کند که تسلط کفار بر مسلمین را مسجل کند. اما این سبیل است یا یک چیز دیگری است؟ مثلاً خیانت به بیت المال مسلمین است؟ در مثال قراردادهای هنگفت با سرماییان خارجی نمی توان گفت سبیل است. این ها در راستای سبیل نیست اما مفاصد دیگری دارد ...

الحمد لله رب العالمین.